



نام آزمون: قرابت معنایی ادبیات ۲

زمان برگزاری: ۳۳ دقیقه

۱ کدام گزینه با بیت زیر قرابت معنایی کمتری دارد؟

«اگر لطفش قرین حال گردد، همه اِدبارها اقبال گردد،»

- |                                   |                                    |
|-----------------------------------|------------------------------------|
| ۱ آسایش است رنج کشیدن به بوی آنک  | ۲ روزی طبیب بر سر بیمار بگذرد      |
| ۳ یکی را ز ماهی رساند به ماه      | ۴ یکی را ز ماه اندر آرد به چاه     |
| ۵ اگر یک روز با دلبر خوری نوش     | ۶ کنی تیمار صد ساله فراموش         |
| ۷ حاشا که من از دست جفای تو بنالم | ۸ بیداد لطیفان همه لطف است و کرامت |

۲ عبارت «مردان بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن» با کدام گزینه قرابت معنایی دارد؟

- |                                     |                                   |
|-------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱ کسی را که همت بلند اوفتد          | ۲ مرادش کم اندر کمند اوفتد        |
| ۳ به همت بر آرز سینه‌بند شور        | ۴ که بازوی همت به از دست زور      |
| ۵ هر کسی که سرو گفت قدت را به راستی | ۶ او را معین است که همت بلند نیست |
| ۷ خرسند چرا شد دلت اندر بن این چاه  | ۸ با جاه بلند و حشم و همت عالی    |

۳ مفهوم بیت «کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستم از هیچ آگاه» در کدام بیت زیر دیده می‌شود؟

- |  |                             |
|--|-----------------------------|
| ۱ با تقاضای عقل و نفس و حواس           | ۲ کی توان بود کردگار شناس   |
| ۳ به خودش کس شناخت نتوانست             | ۴ ذات او هم بدو توان دانست  |
| ۵ عقل حقش بتوخت (به‌جا آورد) نیک بتاخت | ۶ عجز در راه او شناخت شناخت |
| ۷ عقل رهبر ولیک تا در او               | ۸ فضل او مر تو را برد بر او |

۴ کدام گزینه با مفهوم ابیات زیر قرابت معنایی بیشتری دارد؟

«سحر دیدم درخت ارغوانی  
به گوش ارغوان آهسته گفتم  
کشیده سر به بام خسته جانی  
بهارت خوش که فکر دیگرانی»

- |   |                                      |
|---|--------------------------------------|
| ۱ به زان نبود که برگ عزلت سازیم           | ۲ چشم از بد و نیک خلق پیش اندازیم    |
| ۳ از بدان نیکی، بدی از نیکوان شایسته نیست | ۴ راستی عیب نمایان می‌شود در نیش مار |
| ۵ دل وصف او به نیکی کردی همیشه آری        | ۶ چون عشق سخت گردد دل کژ کند روایت   |
| ۷ بنوازی ار گدایی به تفقّد و عطایی        | ۸ نکنی از این زبانی، نرسد از آن شکست |

۵ مفهوم بیت «کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستم از هیچ آگاه» به کدام رباعی زیر نزدیک‌تر است؟

- |  |  |
|--|--|
| ۱ وقت سحر است خیز ای مایه ناز<br>کان‌ها که به‌جایند نپایند بسی       | ۲ نرمک نرمک، باده خور و چنگ نواز<br>و آنها که شدند، کس نمی‌آید باز       |
| ۳ از جرم گل سیاه تا اوج زحل<br>بگشادم بندهای مشکل به حیل             | ۴ کردم همه مشکلات کَلّی را حل<br>هر بند گشاده شد به جز بند اجل           |
| ۵ یک چند به کودکی به استاد شدیم<br>پایان سخن شنو که ما را چه رسید    | ۶ یک چند ز استادی خود شاد شدیم<br>از خاک برآمدیم و بر باد شدیم           |
| ۷ اسرار ازل را نه تو دانی و نه من<br>هست از پس پرده گفت‌وگوی من و تو | ۸ وین حرف معما نه تو خوانی و نه من<br>چون پرده برافتد نه تو مانی و نه من |



## ۶ کدام گزینه با بیت زیر قرابت معنایی ندارد؟

- آن گرد شتابنده که در دامن صحراست  
گویند عشق چیست بگو ترک اختیار
- ۱ هر کو ز اختیار نرست اختیار نیست  
۲ دیدۀ حسرت عنان عمر نتواند گرفت  
۳ نفس یک پا درون خانه یک پا در برون دارد  
۴ بر رشته گسسته عمر سبک عنان
- هرگز ز اختیار نرست اختیار نیست  
هیچ دامی مانع از جولان نگردد آب را  
کسی محکم عنان باد پای عمر چون دارد؟  
دنبال هم‌چو رشته گوهر افتاده‌ایم

## ۷ بیت «یکی را دهد تاج و تخت و کلاه / یکی را نشاند به خاک سیاه» ارتباط معنایی دارد؟

- ۱ چونان که فروزی بکاهی، ایراک (زیرا که)  
۲ این دولت من بس که منم بنده تو  
۳ هرگز بلند کرده بخت مباد پست  
۴ اگر عزّ و جاه است و گر دلّ و قید
- بر سیرت و بر عادت گیاهی  
این عزّت من بس که خداوند تویی  
هرگز عزیز کرده جودت مباد خوار  
من از حق شناسم نه از عمر و زید

## ۸ در کدام بیت ، شاعر از عدم ثبات رأی می نالد؟

- ۱ طالب نکند سیر مقامی مگر از عرش  
۲ سر تا به قدم جمله هنر دارد و خوبی  
۳ عیب پوشی سهل باشد عیب نا دیدن خوش است  
۴ هر چه در وصف تو گویند به نیکویی هست
- طبعی که بلند آمد پستی نشناسد  
عیبش همه آن است که با بنده نسازد  
چشم من روشن که دایم صاحب این دیده ام  
عیبت آن است که هر روز به طبعی دگری

## ۹ بیت « بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است / بیار باده که بنیاد عمر بر باد است» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- ۱ عمر اگر خوش گذرد زندگی نوح کم است  
۲ من عمر خویش را به صبوری گذاشتم  
۳ وام جهان است تو را عمر تو  
۴ به گردن در آتش در افتاده‌ای
- ور به ناخوش گذرد، نیم نفس بسیار است  
عمری دگر بیا بد تا صبر بر دهد  
وام جهان بر تو نماند مدام  
به باد هوا عمر بر داده‌ای

## ۱۰ مفهوم کدام بیت با بقیه ابیات متفاوت است؟

- ۱ شعر من ماء معین است و شعر تو ماء حمیم  
۲ معنی آب زندگی و روضه ارم  
۳ مرا شیوه‌ای خاص و تازه است و داشت  
۴ حسد چه می‌بری ای سست‌نظم بر حافظ
- کس خورد ماء حمیمی چون بود ماء معین؟  
جز طرف جویبار و می خوشگوار چیست  
همان شیوه باستان عنصری  
قبول خاطر و لطف سخن خداداد است

## ۱۱ کدام بیت مفهوم متفاوتی دارد؟

- ۱ من از بی قدری خار سر دیوار دانستم  
۲ زمام دل به کسی داده‌ام من درویش  
۳ فلک به مردم نادان دهد زمام مراد  
۴ هنر خوار شد جادویی ارجمند
- که ناکس کس نمی گردد بدین بالانشینی‌ها  
که نیستش به کس از تاج و تخت پروایی  
تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس  
نهان راستی آشکارا گزند

۱۲ مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- |                                    |                                   |
|------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱ غم را چه زهره باشد تا نام ما برد | ۲ رختی که داشتیم به یغما ببرد عشق |
| ۳ آهن ربای جذب رفیقان کشید حرف     | ۴ خانه گرو نهاده و در کوی او مقیم |
| دستی بزن که از غم و غمخوار فارغیم  | از سود و از زیان و ز بازار فارغیم |
| ورنه از این طریق ز گفتار فارغیم    | دگان خراب کرده و از کار فارغیم    |

۱۳ بیت زیر، با همه ابیات قرابت مفهومی دارد، به جز:

چون شیر به خود سپه شکن باش / فرزند خصال خویشان باش

- |  |   |
|--|---|
| ۱ پارسا باش و نسبت از خود کن / پارسازادگی ادب نبود | ۲ چو کنعان را طبیعت بی هنر بود / پیمبرزادگی قدرش نیفزود       |
| ۳ نباید کند جز که نام نکو / خردمند زین زیستن آرزو  | ۴ هنر بنمای اگر داری نه گوهر / گل از خار است و ابراهیم از آزر |

۱۴ مفهوم نهایی کدام بیت نسبت به بقیه دورتر است؟

- |  |  |
|--|--|
| ۱ می شکفتم ز طرب زانکه چو گل بر لب جوی | ۲ به سر سبز تو ای سرو که گر خاک شوم            |
| ۳ گلعداری ز گلستان جهان ما را بس       | ۴ همچو گلبرگ طری هست وجود تو لطیف              |
| بر سرم سایه آن سرو سهی بالا بود        | ناز از سربنه و سایه بر این خاک انداز           |
| زین چمن سایه آن سرو روان ما را بس      | همچو سرو چمن خلد سراپای تو خوش (طری: با طراوت) |

۱۵ مفهوم عبارت زیر در کدام گزینه دیده می شود؟

مردمی که به خانه های تاریک و بی دریچه عادت کرده اند، از پنجره های باز و نور گیر، گریزان هستند.

- |  |
|--|
| ۱ افسوس / آفتاب مفهوم بی دریغ عدالت بود / و آنان به عدل شیفته بودند / و اکنون با آفتاب گونه ای / آنان را این گونه فریفته بودند |
| ۲ ستاره باران جواب کدام سلامی / به آفتاب / از دریچه تاریک؟ / کلام از نگاه تو شکل می بندد                                       |
| ۳ شب با گلوی خونین خوانده است دیرگاه / دریا نشسته سرد / یک شاخه در سیاهی جنگل / به سوی نور / فریاد می کشد                      |
| ۴ نگران با من استاده سحر / صبح می خواهد از من / کز مبارک دم او / آورم این قوم به جان باخته را / بلکه خبر                       |

۱۶ کدام گزینه از لحاظ مفهومی با بقیه تفاوت دارد؟

- |                                     |                                     |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱ دل بیمار شد از دست رفیقان مددی    | ۲ سایه طایر کم حوصله کاری نکند      |
| ۳ خشک شد بیخ طرب راه خرابات کجاست   | ۴ مدد از خاطر رندان طلب ای دل ور نه |
| تا طبیبش به سر آریم و دوایی بکنیم   | طلب از سایه میمون همایی بکنیم       |
| تا در آن آب و هوا نشو و نمایی بکنیم | کار صعب است مبادا که خطایی بکنیم    |

۱۷ کدام بیت به مفهوم تعالی عاشق اشاره ندارد؟

- |   |                                     |
|---|-------------------------------------|
| ۱ چون شبنم اوفتاده بدم پیش آفتاب                | ۲ از کیمیای مهر تو زر گشت روی من    |
| ۳ دست از مس وجود چو مردان ره بشوی               | ۴ زیر شمشیر غمش رقص کنان باید رفت   |
| مهرم به جان رسید و به عیوق (نام ستاره ای) برشدم | آری به یمن لطف شما خاک زر شود       |
| تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی                    | کآن که شد کشته او نیک سرانجام افتاد |

۱۸ کدام بیت با ابیات دیگر تناسب معنایی ندارد؟

- |                                       |                                    |
|---------------------------------------|------------------------------------|
| ۱ عاشق شو ار نه روزی کار جهان سر آید  | ۲ نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود |
| ۳ همه عمر برندارم سر از این خمار مستی | ۴ حسنت به ازل نظر چو در کارم کرد   |
| ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی     | زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت  |
| که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستستی | نمود جمال و عاشق زارم کرد          |



## آکادمی آموزشی انگیزشی رویش

۱۹ بیت: «عشق چون آید، برد هوش دل فرزانه را» دزد دانا می گشود اول چراغ خانه را، با کدام بیت، ارتباط مفهومی ندارد؟

- ۱ صائب حضور اگر طلبی ترک عقل کن
- ۲ از پاشکستان چراغست تیرگی
- ۳ سماع انس که دیوانگان از آن مستند
- ۴ سودای عشق پختن، عقم نمی پسندد
- کاین در به روی مردم فرزانه بسته اند
- زنگ کدورت از دل عاقل نمی رود
- به سمع مردم هشیار در نمی گنجد
- فرمان عقل بردن، عشقم نمی گذارد

۲۰ مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- ۱ سر سودای تو در سینه بماندی پنهان
- ۲ چهره خورشید پنهان است در زنگار من
- ۳ نخواستم که بگویم حدیث عشق و چه حاجت
- ۴ چه حاجت است به اظهار عشق پیش تو ما را
- چشم تر دامن اگر فاش نکردی رازم
- می زند صیقل به چشم بسته روشنگر مرا
- که آب دیده سرخم بگفت و چهره زردم
- که اشک گوید و رخسار زرد و رنگ پریده

۲۱ مفهوم «پایان ناپذیری راه عشق» از کدام بیت بر نمی آید؟

- ۱ حد تو صبر کردن و خون خوردن است و بس
- ۲ این راه را نهایت صورت کجا توان بست
- ۳ از بحر عشق او که ندارد کنارهای
- ۴ گوید خرد که از غم عشقش کنار جو
- زیرا که حد وادی هجران پدید نیست
- کش صد هزار منزل بیش است در بدایت (ابتدا)
- آن برد سر که باز کشید از کنار پای
- دریای عشق را چه کنم چون کنار نیست

۲۲ مفهوم «پاکبازی عاشقانه» از کدام بیت دریافت نمی شود؟

- ۱ یعقوب چشم باخته را یافت عاقبت
- ۲ در طریق عاشقی چون عاشقان
- ۳ نیست راهی از دل و دین باختن نزدیک تر
- ۴ بگذار هرچه داری و بگذر که مرد را
- آخر به کام خویش نظرباز می رسد
- هرچه داری جمله در بازی خوش است
- در قمار عشق هر کس را که میل بردن است
- جز ترک توشه توشه راه نجات نیست

۲۳ مفهوم کدام بیت با بقیه فرق دارد؟

- ۱ صبا افتان و خیزان گرد گل بسیار می گردد
- ۲ به بوی خلق تو یابد حیات و برخیزد
- ۳ با صبا افتان و خیزان می روم تا کوی دوست
- ۴ ای صبا سوختگان بر سر ره منتظرند
- ضعیف است از دویدن دم به دم بیمار می گردد
- نسیم صبح که جان می دهد ز بیماری
- وز رفیقان ره استمداد همت می کنم
- گر از آن یار سفر کرده پیامی داری

۲۴ مفهوم بیت «دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر / کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست» به کدام بیت زیر نزدیک نیست؟

- ۱ چون فلک از عهد سلیمان بری ست
- ۲ دور نگر کز سر نامردمی
- ۳ ملک سلیمان مطلب کان کجاست
- ۴ با نفس هر که بر آمیختم
- آدمی آن است که اکنون پری ست
- بر حذر است آدمی از آدمی
- ملک همان است، سلیمان کجاست؟
- مصلحت آن بود که بگریختم

۲۵ جمع نشدن عشق و آسایش در همه بیت های زیر به جز بیت ..... دیده می شود.

- ۱ ذوق کار عشق، دارد جنگ با آسودگی
- ۲ آسودگی به خواب نبیند تمام عمر
- ۳ آن دلارامی که آرامی نباشد با منش
- ۴ تهمت آسودگی بر دیده عاشق خطاست
- کوهکن از اهتمام کارفرما فارغ است
- آن را که خار پیرهن از آرزو بود
- کرد شام عاشقان چون صبح روی روشنش
- خانه ای کز خود بر آرد آب، جای خواب نیست

۲۶ مفهوم کدام بیت از مفهوم بیت‌های دیگر کمی دور است؟

- ۱ دانست که دل اسیر دارد
- ۲ گرچه از عشق کشیدند به صد بند مرا
- ۳ آن را که چو من صید غم عشق تو گردد
- ۴ غرق دریایم و خوش خوش دست و پای می‌زنیم
- دردی نه دواپذیر دارد
- از گرفتاری ایام نجاتم دادند
- نی پای گریز است و نه امید رهایی
- ذوق اگر داری در آ در بحر بی‌پایان ما

۲۷ کدام بیت با عقیده عطار در حکایت «مردان واقعی» تقابل معنایی دارد؟

- ۱ یار مردان خدا باش که در کشتی نوح
- ۲ بس است این انزوا و خاکساری
- ۳ گویند سنگ لعل شود در مقام صبر
- ۴ در گوشه انزوا خزیدن خوش‌تر
- هست خاکی که به آبی نخرد طوفان را
- کشیدن رنج و کردن بردباری
- آری شود ولیک به خون جگر شود
- پیوند ز غیر حق بریدن خوش‌تر

۲۸ مفهوم دو بیت کدام گزینه نزدیک به هم است؟

- ۱ لاابالی پیشه‌گیر و عاقلی بر طاق نه  
رو مسخرگی پیشه‌کن و مطربی آموز
- ۲ دانست که دل اسیر دارد  
عشق داغی‌ست که تا مرگ نیاید نرود
- ۳ پی آن گیر کاین ره پیش برده‌ست  
گفت ای پسر این نه جای بازی‌ست
- ۴ گرچه دامن آسمان کردت بلای جان ولیکن  
چند کشند اهل دل بار بلای آسمان
- عشق را در کار گیر و عقل را بی‌کار کن  
تا داد خود از کهنه و مهتر بستانی
- دردی نه دواپذیر دارد  
هر که بر چهره از این داغ نشانی دارد
- که راه عشق پی بردن نه خُرد است  
بشتاب که جای چاره‌سازی‌ست
- من به جان خواهم تو را عشق، ای بلای آسمانی  
خود به کران نمی‌رسد جور و جفای آسمان

۲۹ مفهوم بیت «گرچه ز شراب عشق مستم / عاشق‌تر از این کنم که هستم» به کدام بیت زیر نزدیک است؟

- ۱ دست عشقت قدحی داد و ببرد از هوشم
- ۲ در آن چمن که بتان دست عاشقان گیرند
- ۳ صوفی مجلس که دوش جام و قدح می‌شکست
- ۴ صوفی ما که ز ورد سحری مست شدی
- خم می‌گو سر خود گیر که من مدهوشم
- گرت ز دست بر آید نگار من باشی
- باز به یک جرعه می‌عادل و فرزانه شد
- شامگاهان نگران باش که سرخوش آمد

۳۰ مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱ عقل گوید: شش جهت حدّ است و بیرون راه نیست
- ۲ عقل بازاری بدید و تاجری آغاز کرد
- ۳ ای بسا منصور پنهان ز اعتماد جان عشق
- ۴ عاشقان دردکش را در درون اقرارهاست
- عشق گوید راه هست و رفته‌ام من بارها
- عشق دیده زان سوی بازار و بازارها
- ترک منبرها بگفته، بر شده بر دارها
- عاقلان تیره‌دل را در درون انکارها

۳۱ بیت «تا نگردي آشنا زين پرده رمزي نشنوي

گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- ۱ آشنایی‌های آن بیگانه‌پرور بین که من
- ۲ دعوی عشق ز هر بلهوسی می‌آید
- ۳ نیست پروا تلخ‌کامان را ز تلخی‌های عشق
- ۴ حرف از صفای سینه مگو پیش زاهدان
- می‌خورم در آشنایی حسرت بیگانه را
- دست بر سر زدن از هر مگسی می‌آید
- آب دریا در مذاق ماهی دریا خوش است
- آینه پیش طلعت این زنگیان مگیر



## آکادمی آموزشی انگیزشی رویش

۳۲ مفهوم مقابل بیت «از خمستان جرعه‌ای بر خاک ریخت / جنبشی در آدم و حوا نهاد» در کدام بیت آمده است؟

۱. ناچشیده جرعه‌ای از جام او
۲. یک کاسه زهر است که مرگش خوانند
۳. به یاد خم ابروی گلرخان
۴. پیایی بکش جام و سرگرم باش
- عشق‌بازی می‌کنم با نام او
- خوش درکش و جرعه بر جهان ریز و برو
- بکش جام در بزم می‌خوارها
- بهل گر بگیرند بیکارها

۳۳ بیت: «آب چه دانست که او گوهر گوینده شود / خاک چه دانست که او غمزه غمازه شود؟» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

۱. این لطف بین که با گل آدم سرشته‌اند
۲. تا در این آب و گلی کار کلوخ اندازی است
۳. چون که خدمت شه آید من می‌دانم
۴. همچو گرد این تن خاکی نتواند برخاست
- وین روح بین که در تن آدم تنیده‌اند
- گفت و گو جمله کلوخ است و یقین دل شکن است
- گر ز آب و گلم ای دوست، نیم پای به گل
- از سر کوی تو زان رو که عظیم افتاده است

۳۴ مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر همخوانی ندارد؟

۱. تنگ چشمان نظر به میوه کنند
۲. تو به سیمای شخص می‌نگری
۳. اگر در دیده مجنون نشینی
۴. تو کی دانی که لیلی چون نکویی است
- ما تماشاکنان بستانیم
- ما در آثار صنع حیرانیم
- به غیر از خوبی لیلی نبینی
- کزو چشمتم همین بر زلف و رویی است

۳۵ مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

۱. شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل
۲. کسی که در دل شب خواب بی‌غمی کرده‌ست
۳. ماهم این هفته برون رفت و به چشمم سالی است
۴. فراق روی چو تو یوسفی کسی داند
- کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها
- بر آب دیده بیچارگان نبخشاید
- حال هجران تو چه دانی که چه مشکل حالی است
- که روشنش شود آب دو دیده یعقوب

۳۶ بیت «سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

۱. ما دل به غم تو بسته داریم ای دوست
۲. دردمندی کز محبت در دلش دردی است کو؟
۳. فریاد که گر جور فراق تو نویسم
۴. شرح غم هجران تو هم با تو توان گفت
- درد تو به جان خسته داریم ای دوست
- بی‌دلی کز درد داغی بر جگر دارد کجاست؟
- فریاد بر آید ز دل هر که بخواند
- پیداست که قاصد چه به سمع تو رساند

۳۷ مفهوم کدام بیت با بیت زیر متفاوت است؟

۱. خفته نیارد شناخت لعل ز خارا
۲. بلای هجر و درد اشتیاق پیر کنعانی
۳. ملامت گوی عاشق را چه گوید مردم دانا؟
۴. کسی تا خود نبیند جای خالی را ز محبوبش
- داند این آنکه ازین غم بود او را قدری
- مست نداند تمیز کرد گل از خار
- کسی داند که چون یوسف عزیزی در سفر دارد
- که حال غرقه در دریا نداند خفته بر ساحل
- کجا داند قدر آن وصال و آشنایی را







## آکادمی آموزشی انگیزشی رویش

۳۸ مفهوم عبارت: «و حکمت با ملایکه می‌گفت: شما در گل منگرید؛ در دل بنگرید» از مرصاد العباد نجم‌الدین رازی، در کدام بیت

نیامده‌است؟

- |                                 |                                  |
|---------------------------------|----------------------------------|
| چند بینی صورت آخر چند چند؟      | ۱ چشم ابلیسانه را یک دم ببند     |
| برگذشت از چرخ و از کوکب به دل   | ۲ آدمی بسرشته از یک مشت گل       |
| مغر بین او را مبینش استخوان     | ۳ خواجه را جان بین مبین جسم گران |
| خود بر ثنای لطف براندی ثنای خاک | ۴ خاک، چهل صباح سرشتی به دست صنع |

۳۹ مضمون بیت «از شب‌نم عشق خاک آدم گل شد / صد فتنه و شور در جهان حاصل شد» در کدام بیت زیر وجود ندارد؟

- |                                      |  |
|--------------------------------------|--|
| ما همه ز آن جرعه دوست به دست آمدم    | ۱ خاک بد آدم که دوست جرعه بر آن خاک ریخت |
| گر خلق از آب و خاک تو از مشک و عنبری | ۲ تو خود فرشته‌ای نه از این گل سرشته‌ای  |
| از خاک در میکده و آب خمار است        | ۳ من کیستم؟ آن مست که ترکیب وجودم        |
| سراپای من آتش طور کن                 | ۴ که خاکم گل از آب انگور کن              |

۴۰ مفهوم بیت «آسمان بار امانت نتوانست کشید / قرعه کار به نام من دیوانه زدند» با کدام بیت زیر نزدیکی بیشتری دارد؟

- |                                   |                                       |
|-----------------------------------|---------------------------------------|
| باورم نیست که دیگر به میان می‌آید | ۱ دل به عشق تو سپردم به امانت لیکن    |
| آمید که بر خاک در او بسپاریم      | ۲ جان در تن ما عشق نهاده به امانت     |
| این قرعه را کشید مشیت به نام ما   | ۳ هر خازنی به گنج امانت امین نبود     |
| تا سر کوی تو دیدم همه رفت از یادم | ۴ من که از خلد برین دل‌نگران بستم بار |

۴۱ مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- |  |   |
|--|---|
| دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم      | ۱ مرده بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم   |
| با خود آوردم از آن جا نه به خود بربستم | ۲ پیش از آب و گل من در دل من مهر تو بود |
| جرعه جامی که من مدهوش از آن جامم هنوز  | ۳ در ازل داده است ما را ساقی لعل لب     |
| که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی    | ۴ همه عمر برندارم سر از این خمار مستی   |

۴۲ بیت «از شب‌نم عشق خاک آدم گل شد / صد فتنه و شور در جهان حاصل شد» با همه بیت‌های زیر به جز ..... ، تناسب مفهومی

دارد.

- |                                      |                                       |
|--------------------------------------|---------------------------------------|
| گل وجود من آغشته گلاب و نبید (شراب)  | ۱ نبود چنگ و رباب و نبید و عود که بود |
| از آن گناه که نفعی رسد به غیر چه باک | ۲ اگر شراب‌خوری جرعه‌ای فشان بر خاک   |
| جنبشی در آدم و حوا نهاد              | ۳ از خمستان جرعه‌ای بر خاک ریخت       |
| صائب خمیرمایه بت‌خانه‌ایم ما         | ۴ مهر بتان در آب و گل ما سرشته‌اند    |

۴۳ مضمون عبارت «الطاف الوهیت به سر ملائکه فرومی‌گفت که شما در گل منگرید در دل نگرید. روزکی چند صبر کنید تا من بر این یک

مشت خاک دست‌کاری قدرت بنمایم تا شما در این آینه نقش‌های بوقلمون ببینید.» در کدام بیت زیر دیده نمی‌شود؟

- |                                   |  |
|-----------------------------------|--|
| دیو آدم را نبیند غیر طین          | ۱ تو ز قرآن ای پسر ظاهر مبین           |
| خاک چه دانست که او غمزه غمازه شود | ۲ آب چه دانست که او گوهر گوینده شود    |
| یا چه جان است نگویی که منش پیرهنم | ۳ کیست در دیده که از دیده برون می‌نگرد |
| او را پس از بقا به ضرورت بود فنا  | ۴ هر صورتی کز آتش و باد است و آب و خاک |



## آکادمی آموزشی انگیزشی رویش

۴۴ بیت: «هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- |                                     |  |                              |   |
|-------------------------------------|--|------------------------------|---|
| ۱ دل، قطره‌ای ز شبنم دریای عشق اوست | ۲ سیل دریا دیده، هرگز بر نمی‌گردد به خود | ۳ چون ز دریا سوی ساحل بازگشت | ۴ سروری را اصل و گوهر برترین سرمایه است |
| ۱ کز راه دیده به دریا همی رود       | ۲ نیست ممکن هر که مجنون شد دگر عاقل شود  | ۳ چنگ شعر مثنوی با ساز گشت   | ۴ مردم بی اصل و بی گوهر نیابد سروری     |

۴۵ کدام بیت به معاد اشاره دارد؟

- |                                     |                                  |                                  |                                       |
|-------------------------------------|----------------------------------|----------------------------------|---------------------------------------|
| ۱ به روز مرگ چو تابوت من روان باشد  | ۲ برای من مگر و مگوو دریغ دریغ   | ۳ مرا به گور سپاری مگو وداع وداع | ۴ کدام دانه فرو رفت در زمین که نرست   |
| ۱ گمان مبر که مرا درد این جهان باشد | ۲ به دام دیو درافتی دریغ آن باشد | ۳ که گور پرده‌ی جمعیت جنان باشد  | ۴ چرا به دانه‌ی انسانیت این گمان باشد |

۴۶ پیام حکایت «چنان باش که از تو حکایت کنند» از «اسرارالتوحید» نوشته «محمدبن منور» در همهٔ بیت‌های زیر به جز ..... دیده می‌شود.

- |                                |                              |                             |                               |
|--------------------------------|------------------------------|-----------------------------|-------------------------------|
| ۱ در خور تنور و آتش باشد       | ۲ فرزند هنرهای خویشتن شو     | ۳ و آنکه که هنر یافتی بشاید | ۴ چون داد کنی خود عمر تو باشی |
| ۱ شاخی که بر او برگ و بر نباشد | ۲ تا همچو تو کس را پسر نباشد | ۳ گر جز هنرت خود پدر نباشد  | ۴ هرچند که نامت عمر نباشد     |

۴۷ مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- |                               |                                 |                                     |   |
|-------------------------------|---------------------------------|-------------------------------------|---|
| ۱ امروز که دستگاه دارم و توان | ۲ پیش از تو از آن دگری بود جهان | ۳ دریاب کنون که نعمت هست به دست     | ۴ دولت آن است که بی‌خون دل آید به کنار    |
| ۱ بیخی که بر سعادت آرد بنشان  | ۲ بعد از تو از آن دگری باشد هان | ۳ کاین دولت و ملک می‌رود دست به دست | ۴ ورنه با سعی و عمل کار جهان این همه نیست |

۴۸ مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- |                               |                                    |                              |                                      |
|-------------------------------|------------------------------------|------------------------------|--------------------------------------|
| ۱ گرچه دانم که نیک بد کردم    | ۲ من نیک تو خواهم و تو خواهی بد من | ۳ کفن بر تن تند هر کرم پیله  | ۴ آتش به دو دست خویش در خرمن خویش    |
| ۱ چه توان کرد چون که خود کردم | ۲ تو نیک نبینی و به من بد نرسد     | ۳ بر آرد آتش از خود هر چناری | ۴ من خود زده‌ام چه نالم از دشمن خویش |

۴۹ بیت «دریاب کنون که نعمت هست به دست / تناسب معنایی دارد.

- |                            |                                       |  |  |
|----------------------------|---------------------------------------|--|--|
| ۱ پادشاهی که طرح ظلم افکند | ۲ خیری کن ای فلان غنیمت شمار عمر      | ۳ به نوبتد ملوک اندر این سپنج سرای     | ۴ ده روزه مهر گردون افسانه است و افسون |
| ۱ پای دیوار ملک خویش بکند  | ۲ زان پیشتر که بانگ بر آید فلان نماند | ۳ کنون که نوبت توست ای ملک به عدل گرای | ۴ نیکی به جای یاران فرصت شمار یارا     |





## آکادمی آموزشی انگیزشی رویش

۵۰ عبارت «در نظرش اگر یک روی زندگی زشت می‌شد، روی دیگری بود که بشود به آن پناه برد» با همه بیت‌های زیر، به جز ..... ، هم مفهوم است.

- |                                 |  |
|---------------------------------|--|
| رو شکر کن مباد که از بد بتر شود | ۱ روزی اگر غمی رسد تنگدل مباش          |
| سهل است تلخی می در جنب ذوق مستی | ۲ خار ارچه جان بکاهد، گل عذر او بخواهد |
| انگشت، ترجمان زبان است لال را   | ۳ ده در شود گشاده، شود بسته چون دری    |
| جای دگر ز پرتوس آفاق با ضیاست   | ۴ جایی اگر ز غیبت او تیره شد جهان      |

۵۱ کدام بیت مفهوم عبارت «العبد یدبر و الله یقدر» را ندارد؟

- |                                    |                                      |
|------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱ مکن به نامه سیاهی ملامت من مست   | ۱ که آگه است که تقدیر بر سرش چه نوشت |
| ۲ قومی به جد و جهد نهادند وصل دوست | ۲ قومی دگر حواله به تقدیر می‌کنند    |
| ۳ ما از برون در شده مغرور صد فریب  | ۳ تا خود درون پرده چه تدبیر می‌کنند  |
| ۴ بر آن سرم که نوشم می و گنه نکنم  | ۴ اگر موافق تدبیر من شود تقدیر       |

۵۲ بیت «به حرص ار شربتی خوردم، مگیر از من که بد کردم / بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا» با کدام بیت زیر از نظر مفهومی هم‌راستا است؟

- |  |   |
|--|---|
| ۱ گر گناهی کرده‌ام بر من نگیر            | ۱ عفو کن من خود گرفتار توام               |
| ۲ رشته تسبیح اگر بگسست معذورم بدار       | ۲ دستم اندر دامن ساقی سیمین ساق بود       |
| ۳ شربت رحمت تو بر همگان گردان است        | ۳ تو مرا تشنه و مستسقی و بیمار مگیر       |
| ۴ نه مستم محتسب بگذار از خود بی‌خبر باشم | ۴ که من غافل نگاهی دیده‌ام از چشم می‌گونی |

۵۳ کدام بیت، با بیت دوم رباعی زیر قرابت معنایی دارد؟

- |                                   |                                    |
|-----------------------------------|------------------------------------|
| کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت      | با زخم نشان سرفرازی نگرفت          |
| زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت   | حیثیت مرگ را به بازی نگرفت         |
| ۱ شاهد نیاز نیست که در محضر آورند | ۱ در دادگاه عشق رگ گردنت گواه      |
| ۲ دارد اسارت تو به زینب اشارتی    | ۲ از اشتیاق کیست که چشمش کشید راه؟ |
| ۳ از دور دست می‌رسد آیا کدام پیک  | ۳ ای مسلم شرف، به کجا می‌کني نگاه؟ |
| ۴ لبریز زندگی است نفس‌های آخرت    | ۴ آورده مرگ به آغوش تو پناه        |

۵۴ مفهوم کلی کدام بیت، متفاوت با سایر ابیات است؟

- |                                   |                                  |
|-----------------------------------|----------------------------------|
| ۱ منتظر گشتند زخم قهر را          | ۱ قهر آمد نیست کرد آن شهر را     |
| ۲ منتظری تا ز روزگار چه خیزد      | ۲ عقل بخندد جز انتظار چه خیزد    |
| ۳ منتظر راحت، نتوان نشست          | ۳ کان به چنین عمر نیاید به دست   |
| ۴ بر بوی همدمی که بیابم یگانه رنگ | ۴ عمرم در آرزو شد و در انتظار هم |

۵۵ مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- |   |  |
|---|--|
| ۱ عشق در هر دل که شمع بی‌قراری بر فروخت | ۱ اولین پروانه‌اش مهر لب اظهار بود         |
| ۲ دست می‌شستند از ما چاره‌جویان جهان    | ۲ درد خود را می‌توانستیم اگر اظهار کرد     |
| ۳ ز آتش پنهان عشق هر که شد افروخته      | ۳ دود نخیزد از او چون نفس سوخته            |
| ۴ به آه و ناله گفتم دل تهی سازم ندانستم | ۴ که عشق اول زبان زین لشکر خونخوار می‌گیرد |



## آکادمی آموزشی انگیزشی رویش



### ۵۶ مضمون دو بیت در کدام گزینه یکسان نیست؟

- |  |   |
|--|---|
| ۱ صدای سمّ سمند سپیده می آید<br>شبّی با نسیم سحر خواهد آمد               | ۱ بلی که سینّه ظلمت دریده می آید<br>گل از پرده روزی به در خواهد آمد   |
| ۲ به سوی قلّه بی انتهای بیداری<br>چراغ هدایت، فروغ ولایت                 | ۲ پرنده‌ای که به خون پرکشیده می آید<br>ز ره مهدی منتظر خواهد آمد      |
| ۳ بهار آمده با کاروان لاله به باغ<br>تو خواهی آمد و آواز با تو خواهد بود | ۳ به دشت ژاله گل نودمیده می آید<br>پرنده و پر و پرواز با تو خواهد بود |
| ۴ گرفته بیرق تابان عشق را بر دوش<br>زمین گشته بتخانه بنگران              | ۴ کسی که دوش به دوش سپیده می آید<br>تبردار ایمان تباران کجاست؟        |

### ۵۷ مفهوم کدام بیت با بیت «نهان گشت آیین فرزندگان / پراکنده شد نام دیوانگان» نزدیکی کمتری دارد؟

- |                                   |   |
|-----------------------------------|---|
| ۱ دشنام خورم ز مردم نادان         | ۱ زیرا که هنرور و سخندانم                 |
| ۲ پری نهفته رخ و دیو در کرشمه حسن | ۲ بسوخت دیده ز حیرت که این چه بوالعجبی ست |
| ۳ اوفتاده‌ست در جهان بسیار        | ۳ بی تمیز ارجمند و عاقل خوار              |
| ۴ سفله بر صدر و اهل دانش را       | ۴ به غلط ره بر آستان ندهند                |

### ۵۸ مفهوم عبارت «پدرم دریا دل بود، در لاتی کار شاهان را می کرد» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

- |   |                                     |
|---|-------------------------------------|
| ۱ آنچه دی کاشته‌ای می کنی امروز درو     | ۱ طمع خوشه گندم مکن از دانه جو      |
| ۲ در کوی می کشان نبود راه بُخل را       | ۲ این جا ز دست خشک سیو آب می چکد    |
| ۳ چشم بی شرم تو سیری را نمیداند که چیست | ۳ در تلاش رزق تا حرص مگس باشد تو را |
| ۴ رسم دهش ز همت اهل جهان مخواه          | ۴ طفلند و دستشان به دهن آشناتر است  |

### ۵۹ مفهوم «دانش همیشه بیهوده است، مگر آن که کاری باشد» به ترتیب با مفهوم کدام بیت در تناسب و در تضاد است؟

- |  |                                      |
|--|--------------------------------------|
| الف) نان از برای کنج عبادت گزیده‌اند   | الف) صاحب‌دلان نه کنج عبادت برای نان |
| ب) علم چندان که بیشتر خوانی            | ب) چون عمل در تو نیست نادانی         |
| ج) گفت عالم به گوش جان بشنو            | ج) ور نماند به گفتنش کردار           |
| د) عقل اگر چند عقده‌ها (گره‌ها) حل کرد | د) مشکل عشق را جواب نداشت            |
- ۱ ب و الف      ۲ ب و ج      ۳ د و الف      ۴ الف و ج

### ۶۰ مفهوم «روح را خاک نتواند مبدّل به غبارش سازد / زیرا هر دم به تلاش است تا که فرا رود» به کدام بیت زیر نزدیک است؟

- |                                   |  |
|-----------------------------------|--|
| ۱ حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم   | ۱ خوشا دمی که از این چهره پرده برفکنم    |
| ۲ جسم خاکی در صفای دل نیندازد خلل | ۲ باده آسوده است از گردی که بر مینا نشست |
| ۳ قالب بی‌روح دارم، می‌برم        | ۳ تا به خاک کوی او بسپارمش               |
| ۴ جان پاکان خاک جان پاک او        | ۴ جان رها کن، آفرینش خاک او              |

## پاسخنامه تشریحی

۱. گزینه ۴: مفهوم بیت «۴» این است که هیچ وقت عاشق از دست ظلم و ستم‌ها و سخت‌گیری‌های معشوق خسته نمی‌شود؛ ولی مفهوم بیت سؤال و گزینه‌های دیگر در مورد لطف و رحمت خداوند به کائنات است که باعث می‌شود تمام بدبختی‌ها و سختی‌ها به خوشبختی و سعادت ختم شوند.
۲. گزینه ۲: مفهوم مشترک عبارت سؤال و بیت گزینه «۲» این است که همّت مردانه و مردانگی داشتن در زندگی باعث موفقیت و پیروزی می‌باشد. بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۱»: برخلاف بیت صورت سؤال می‌گوید کسانی که دارای همّت بلند هستند کمتر به آرزوهایشان می‌رسند.
- گزینه «۳»: کسی که قامت معشوق مرا با سرو مقایسه می‌کند مشخص است که آدم منصف و جوانمردی نیست.
- گزینه «۴»: حتی در اوج سختی‌ها و مشکلات هم نباید دست از تلاش و مردانگی کشید.
۳. گزینه ۳: گزینه ۱: وابستگی‌های مادی مانع شناخت پروردگار می‌شود. گزینه ۲: فقط خداوند از چپستی خود آگاه است و بس.
- گزینه ۳: خرد وقتی در مسیر شناخت خداوند درست پیش برود به این شناخت می‌رسد که خداوند شناختنی نیست. (شناخت، نخست اسم و شناخت، دوم فعل).
- گزینه ۴: عقل می‌تواند ما را به خدا نزدیک کند اما این لطف خداست که اگر شامل حال ما بشود، می‌توانیم به وصالش برسیم.
۴. گزینه ۴: مفهوم بیت‌های صورت سؤال در مورد ستایش کمک و یاری رساندن به هموعان است. این مفهوم تنها در بیت گزینه «۴» است که به چشم می‌خورد.
۵. گزینه ۴: مفهوم محوری تست: ناگشودنی بودن راز هستی مفهوم رباعی اول: ناپایداری دنیا و خوش‌باشی مفهوم رباعی دوم: مرگ چاره‌ای ندارد و از آن گریزی نیست. مفهوم رباعی سوم: توجه به بی‌اعتباری وجود انسان
۶. گزینه ۱: مفهوم این گزینه اختیار نداشتن در عشق (جبر عشق) است. گزینه ۲ و ۳ و ۴: گذر عمر
۷. گزینه ۴: بیت صورت سؤال و بیت گزینه «۴» بیانگر این مفهوم‌اند که عزّت و ذلّت به اختیار خداوند است: «تعزّ من تشاء و تُذلّ من تشاء» بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۱»: شاعر انسان را مانند گیاهی می‌داند که رشد می‌کند، پس تنزّل می‌یابد. (می‌پژمرد)
- گزینه «۲»: در این بیت شاعر از این‌که بنده خداوند است، خود را صاحب عزّت و سعادت می‌داند.
- گزینه «۳»: شاعر آرزو یا دعا می‌کند که کسی که بخت تو بلندش کرده، پست نشود و کسی که بخشش تو عزیزش گردانده است، خوار نگردد.
۸. گزینه ۴: «هر روز به طبعی دیگر بودن»، عدم ثبات رأی را می‌رساند. مفهوم سایر گزینه‌ها: گزینه ۱ (همّت عالی داشتن / گزینه ۲) ناسازگاری معشوق / گزینه ۳ (عاشق عیب معشوق را نمی‌بیند. در این گزینه تنها سخن از ناپایداری و کوتاهی عمر است اما در گزینه‌های دیگر از صبوری و اغتنام فرصت برای شادی و همانند آن سخن رفته است.
۹. گزینه ۳: در سایر ابیات نمونه‌هایی از خودستایی‌های شاعران دیده می‌شود، اما در بیت «۲»، طرف جویبار و می خوشگوار را همان عمر جاودانی و مصداق بهشت می‌داند.
۱۰. گزینه ۲: در سه گزینه دیگر نکته اصلی ابیات در جابه‌جایی ارزش‌هاست. یعنی کسانی بزرگی و قدرت یافته‌اند که لیاقت آن را ندارند، اما بیت گزینه «۲»، به این نکته اشاره دارد که شاعر اختیار دل خود را به شخصی داده که بسیار دلیر است.
۱۱. گزینه ۲: مفهوم گزینه‌های دیگر دل‌کندن از دنیا و دل‌بستگی‌هایش است درحالی‌که گزینه «۳»، از اشتیاق صحبت با دوستان سخن می‌کند.
۱۲. گزینه ۳: مفهوم صورت سؤال این است که باید به خوی و خصال خویشتن متکی بود و نه به آبا و اجداد خود که در گزینه ۳ به مضمون دیگری اشاره دارد که خردمند باید در پی نام نیک آرزوی زیستن داشته باشد و گزینه‌های دیگر با صورت سؤال مفهومی یکسان دارند.
۱۳. گزینه ۴: در این گزینه از میان صفات سرو شاعر به قد و بالای آن تأکید دارد و تنها در این گزینه اشاره‌ای به سایه‌دار بودن سرو نشده است.
۱۴. گزینه ۴: در گزینه چهارم، صبح از پس شبی دیرپا و طولانی برآمده است، اما نگران است! نگران مردمی که آن‌چنان به تاریکی و سیاهی عادت کرده‌اند که اصلاً متوجه به پایان رسیدن شب نشده‌اند. آن‌ها همچنان در خوابانند و از روشنایی روگردان. به همین دلیل صبح (آگاهی و آزادی) از شاعر (نیمایوشیخ) می‌خواهد که برود و به این مردمِ نگویند بگوید که نادانی و استبداد به پایان آمده‌است، پنجره‌هایشان را باز کنید و به جهان علم و آزادی سلامی کنید! اما دریغ که آن‌ها در به رویش باز نمی‌کنند!
- در بیت نخست دقیقاً با عکس این رفتار روبه‌رو هستیم:
- مردمی که تشنه آزادی و آگاهی هستند، فریب کارها و شعارهای نمایشی حاکمان خود را خورده‌اند و باور کرده‌اند که دیگر قرار است آزادانه بخوانند و بدانند و زندگی کنند.
- در گزینه سوم، مردم در خواب فرورفته‌اند اما روشنفکران و آزادی‌خواهان همچنان آزادی و آگاهی را فریاد می‌زنند.
- گزینه دوم سرودهای عاشقانه است و اصلاً جنبه اجتماعی ندارد.
۱۵. گزینه ۳: در همه ابیات شکلی از ناامیدی دیده می‌شود، در بیت‌های «۲، ۱ و ۴» شاعر بعد از ناامید شدن طلب یاری می‌کند، اما در بیت «۳»، به دنبال راهی می‌گردد (راه خرابات) تا در آب و هوای آن، به فرح و نشاط دست پیدا کند.

۱۷. گزینه ۴: ابیات گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳ به تعالی و پیشرفت عاشق در عشق اشاره دارد و این که عشق وجود کم ارزش عاشق را به زر تبدیل می‌کند و از ستارگان فراتر می‌برد. اما بیت (۴) عاشق را به جانفشانی در راه معشوق فرا می‌خواند که این جانفشانی فرجامی نیک دارد.

۱۸. گزینه ۱: بر مفهوم عاشق شدن تأکید دارد حال آن که سه گزینه دیگر به ازلی بودن عشق اشاره دارند.

۱۹. گزینه ۲: مفهوم مشترک بیت داده شده در سوال و گزینه اول، برتری عشق بر عقل است.

گزینه دوم: نکوهش عقل، گزینه سوم: اهل عقل از درک عشق، عاجز هستند. گزینه چهارم: تقابل عشق و عقل و ناتوانی عقل در برابر عشق.

۲۰. گزینه ۲: عشق چون آتش است هرگز پنهان نمی‌ماند، رنگ رخسار خبر می‌دهد از سر درون

۲۱. گزینه ۱: گزینه اول بر بسیاری هجران و دوری تأکید دارد؛ نه پایان‌ناپذیری راه عشق. اما در سه گزینه دیگر پایان‌ناپذیری عشق بیان شده است.

معنای بیت دوم: نهایت این راه را - که در همان ابتدایش بیشتر از صد هزار مرحله وجود دارد - نمی‌توان تصور کرد. (توجه به «رای» جانشین کسره، استفهام انکاری و جابه‌جایی ضمیر پیوسته برای معناکردن این بیت لازم بود).

معنای بیت سوم: در دریای بیکرانه عشق او کسی سلامت می‌ماند که در پی رسیدن به کنار و ساحل نباشد.

۲۲. گزینه ۱: مفهوم بیت اول: امیدواری در راه عشق. ← گزینه اول

۲۳. گزینه ۴: صفتی که در این بیت به باد صبا نسبت داده شده است خبررسانی و خوش‌خبری باد است. شاعر باد صبا را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید سوختگان در انتظارند که تو خبری از یار سفرکرده‌شان بدهی. اما در سه گزینه دیگر صفت بیماری و اقتان و خیزان بودن به صبا نسبت داده شده است.

۲۴. گزینه ۳: مفهوم بیت صورت سؤال: دیگر انسان واقعی در میان آدمیان پیدا نمی‌شود و باید از این آدم‌نمایان و زندگی تاریکشان دوری گزید.

مفهوم گزینه ۳: ناپایداری قدرت دنیایی

۲۵. گزینه ۳: معنای بیت اول: شوق و اشتیاق عشق با آسایش و قرار سازگار نیست. همچنان که برای فرهاد مهم نبود که آیا کارفرمایش - یعنی خسرو که از فرهاد خواسته بود تا به‌خاطر شیرین در کوه بیستون راهی باز کند - در مورد دستور خود جدی است یا نه. (فرهاد چه خسرو می‌خواست چه نمی‌خواست، آرام و قرار نداشت و نمی‌توانست از کندن کوه بازبایستد).

معنای بیت دوم: آرزوی رسیدن به یار همچون خاری‌ست در پیراهن عاشق که امکان آسایش و خواب را از او می‌گیرد.

معنای بیت سوم: آن یاری که در کنار من آرام نمی‌گیرد و نمی‌ماند، چهره تابانش به شب هجران ما پایان بخشد.

معنای بیت چهارم: هرگز خواب به چشمان عاشق نمی‌آید. زیرا چشمان او پر از اشک است و خانه‌ای که پر آب باشد، دیگر جای خواب نیست!

پس مفهوم محوری این تست، جمع نشدن عشق و آسودگی است که در گزینه سوم دیده نمی‌شود.

۲۶. گزینه ۲: مفهوم محوری تست: رهایی ناپذیری عشق.

مفهوم بیت دوم: عاشق شدن باعث می‌شود که دیگر غم روزگار را نخوری. ← گزینه دوم

۲۷. گزینه ۴: در این حکایت «سری سقطی» کسی را که در کوه عزلت گزیده نکوهش می‌کند و می‌گوید مرد باید در میان بازار مشغول باشد. در بیت گزینه «۴» انزوا و گوشه‌نشینی تأکید شده است، پس این بیت تضاد معنایی با این حکایت دارد.

۲۸. گزینه ۲: مفهوم مشترک بیت‌های گزینه دوم: رهایی ناپذیری عشق / درمان ناپذیری غم عشق

مفهوم بیت نخست گزینه اول، دست کشیدن از عقل و رو آوردن به عشق است. مفهوم بیت دوم این گزینه اعتراض به جامعه‌ای است که به دل‌فکان و مسخرگان بیشتر از دانایان و دانشمندان روی خوش نشان می‌دهد.

معنای بیت «عشق داغی‌ست...»: هر که عاشق شده باشد مانند کسی است که بر چهره‌اش نشانه‌ای را داغ کرده‌باشند و این داغ با اوست تا بمیرد.

در بیت: «گفت ای پسر... پدر مجنون، می‌گوید که اینجا خانه خداست، دست از بازی (بچه‌بازی!) بردار و عشق لیلی را کنار بگذار و سر به راه بشو! اما در بیت نخست از گزینه سوم، شاعر پیمودن راه عشق را کاری جدی و دشوار می‌داند. راهی که برای پیمودنش باید از آشنایان ره عشق، یاری گرفت.

مفهوم بیت نخست گزینه چهارم، خوش داشتن سختی‌های عشق است. مفهوم بیت دوم این گزینه، ناسازگاری روزگار با عارفان و عاشقان است.

۲۹. گزینه ۱: مفهوم محوری تست: مستی عشق.

معنای بیت اول: من سرمست و مدهوش عشق توام؛ پس به حُجَم می‌بگویند که به دنبال کار خودش برود. ← گزینه اول

معنای بیت چهارم: به صوفی ما که ادعا می‌کند تنها با دعا و ورد سحرگاه به حال مستی می‌رسد، نگاه کن. معلوم نیست حالا که سرشرب است، از چه مست شده است.

۳۰. گزینه ۳: مفهوم گزینه پاسخ: اشاره به داستان منصور حلاج

مفهوم مشترک گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴: تقابل عشق و عقل

۳۱. گزینه ۴: مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه «۴»: هر کسی، محرم راز عشق نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: شکوه از بی‌وفایی معشوق

گزینه «۲»: ادعای عاشقی بسیار آسان است و دلیل بر عشق حقیقی نیست.

گزینه «۳»: بلاکشی عاشق؛ رنج عشق برای عاشق لذت‌بخش است.

۳۲. گزینه ۱: تنها در گزینه ۱ است که به باده نوشیدن انسان (خاک) اشاره شده است.

۳۳. گزینه ۱: مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه ۱ به ماجرای خلقت انسان اشاره می‌کنند.

۳۴. گزینه ۳: سایر گزینه‌ها نگاه ظاهری و سطحی را نکوهش می‌کنند.

۳۵. گزینه ۳: ابیات گزینه‌های ۱، ۲ و ۴، بر این مفهوم دلالت دارند که انسان رنج نکشیده حال رنج‌دیدگان را درک نمی‌کند، اما بیت گزینه «۳» درباره سختی دوری و هجران است.

۳۶ گزینۀ ۲ در بیت صورت سؤال شاعر در جست وجوی شنونده‌ای درد کشیده است تا شرح غم عاشق را درک کند و این مفهوم در گزینۀ ۲، بدین شکل آمده است که کسی که غمی چون غم من دارد کجاست تا با او شرح درد دل کنم. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ ۱: غم یار در جان خسته و افکار ماست.

گزینۀ ۳: اگر رنج دوری تو را بنویسم، خواننده‌ها به فریاد می‌آیند.

گزینۀ ۴: شرح غم دوری تو را فقط باید به خودت بگویم.

۳۷ گزینۀ ۱ شاعر در بیت گزینۀ ۱، معتقد است که قدرت تمیز بی‌ارزش از ارزشمند در وجود مست و خفته نیست؛ در حالی که در سه گزینۀ دیگر شاعران معتقدند که تنها درد کشیدگان حال دردمندان را می‌فهمند. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینۀ ۲: درد هجران را کسی می‌فهمد که همچون یوسف، عزیزی را در سفر دارد.

گزینۀ ۳: حال عاشقان را عاقلان درک نمی‌کنند.

گزینۀ ۴: کسانی ارزش وصال را می‌دانند که جای خالی محبوب را دیده باشند.

۳۸ گزینۀ ۴ دیگر بیت‌ها به ارزشمندی جان، دل و احساس اشاره دارند و جسم و تن را کم‌ارزش می‌دانند. بیت چهارم به خشنودی خداوند از آفرینش انسان (فتبارک الله احسن الخالقین) اشاره دارد.

۳۹ گزینۀ ۲ مفهوم محوری تست: عشق در سرشت انسان است.

مفهوم بیت دوم: تو آنقدر زیبایی که به نظر می‌رسد خدا تو را از چیزی غیر از آب و گل سرشته است. (با همه انسان‌ها فرق داری).

۴۰ گزینۀ ۳ مفهوم محوری تست: عشق امانت الهی است.

(نباید کلمه‌های «عشق» و «امانت» در بیت‌های دیگر ما را فریب دهند. مهم، معنا و مفهوم بیت است).

معنای بیت اول: در عشق دلم را به تو سپردم و گمان نمی‌کنم که دیگر آن را در میان سینه‌ام ببینم.

معنای بیت دوم: (تشخیص نهاد جمله مهم است). عشق، جان را در تن ما به امانت گذاشته است (در عشق، جانمان متعلق به یار است و فقط به عنوان امانت در تن ما جای دارد) و من امیدوارم بتوانم آن را بی‌کم‌وکاست فدای خاک کوی یار کنم.

معنای بیت سوم: هیچ موجودی لایق امانت‌داری گنج عشق نبود و این اراده خداوند بود که قرعۀ این کار به نام ما انسان‌ها بیفتد.

معنای بیت چهارم: من که به خاطر رانده شدن از بهشت مضطرب و پریشان‌حال بودم، با دیدن سر کوی تو ای یار عزیز، غم دوری از بهشت را فراموش کردم (کوی تو، بهشت من است).

۴۱ گزینۀ ۱ مفهوم ابیات گزینۀ های ۲، ۳ و ۴، ازلی بودن عشق و وجود داشتن آن در دل عاشقان از روز ازل است؛ اما بیت گزینۀ ۱، به مفهوم ازلی بودن عشق اشاره‌ای ندارد.

۴۲ گزینۀ ۲ مفهوم محوری تست: عشق در سرشت انسان است.

این مفهوم در بیت‌های ۱، ۳ و ۴ دیده می‌شود؛ اما ماجرای گزینۀ دوم کاملاً متفاوت است و اشاره دارد به یک سنت دیرین ایرانی که بر پایه اعتقادات مذهبی قبل از اسلام، ته‌مانده جام شراب را بر خاک می‌افشاندند (زیرا شراب از خاک برآمده است و باید به خاک بازگردد).

۴۳ گزینۀ ۴ مفهوم محوری تست: روح مهم‌تر است از جسم.

در بیت اول مولانا می‌گوید که نباید مانند شیطان بود که فقط به گل و جسم خاکی انسان توجه داشت و از وجود روح در جسم انسان غافل بود (پس باید به باطن توجه کرد، نه ظاهر).

در بیت دوم نیز شاعر می‌گوید که توان سخن گفتن و آشکار کردن عشق نه در آب و نه در خاک، بلکه در روح انسان نهفته است.

بیت سوم هم به روشنی جسم را جایگاهی می‌داند برای روح که ما آن را نمی‌بینیم.

اما در بیت چهارم، شاعر می‌گوید هر موجودی که از جنس ماده باشد، فناپذیر و نابودشدنی‌ست.

۴۴ گزینۀ ۱ کُل شیء یرجعُ الی اصله: هر چیزی سرانجام به اصل خود باز می‌گردد که در بیت ۱ شاعر دل را قطره‌ای از دریای عشق می‌داند که از راه اشک چشم به این دریای عشق باز می‌گردد.

۴۵ گزینۀ ۴ مولانا در بیت گزینۀ ۴ (۴) با تمثیلی بیان می‌دارد همان‌طور که هر دانه‌ای که در زمین کاشته می‌شود به رشد و شکوفایی می‌رسد، انسان نیز پس از دفن قطعاً زندگی مجددی خواهد داشت (معاد).

۴۶ گزینۀ ۱ مفهوم محوری تست: به داشته‌های خود افتخار کن نه داشته‌های دیگران

مفهوم بیت نخست: سرانجام بی‌فایدگی، نابودی است.

معنای بیت دوم: نباید به این بازی که من پسر فلانی هستم؛ کاری کن که پدرت به داشتن پسر دانا و توانایی چون تو بنازد! پسری بی‌همتا و هنرمند (شما دخترهای گل که همه‌تون بی‌همتا و هنرمند هستید و نیازی به این سفارش‌ها ندارید!)

معنای بیت سوم: هنرمند بودن می‌تواند به انسان اصل و ریشه ببخشد و جای اصل و نسب اشرافی را بگیرد.

معنای بیت چهارم: لازم نیست حتماً عمر (خلیفۀ دوم مسلمانان پس از پیامبر اسلام) باشی تا به خودت ببالی، اگر دادگر و راست‌کردار باشی، بزرگ خواهی بود، حال نامت و خانواده‌ات هرچه می‌خواهد باشد.

۴۷ گزینۀ ۴ مفهوم گزینۀ ۴ (۴): لذت رفاه بادآورده / خوش بختی واقعی آن است که بدون رنج به دست بیاید!

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: ناپایداری قدرت دنیوی

معنی بیت‌ها:

۱) امروز که امکان و نیرو داری، / ریشه کاری را محکم کن که میوه خوش بختی را به ارمغان بیاورد.



۲) هشیار باش که دنیا پیش از وجود تو، به کام دیگران بود / و پس از مرگ تو نیز به کام دیگران خواهد بود.

۳) امروز که سلطنت داری، [به مردم ناتوان و ستم دیده] کمک کن / زیرا این پادشاهی و فرمان‌روایی پس از تو به دیگران و پس از آن‌ها [هم] به دیگران خواهد رسید.

۴) خوش‌بختی [حقیقی] آن است که بدون زحمت به دست بیاید؛ / و گرنه، با رنج و کوشش، [توفیق در] امور زندگی ارزش زیادی ندارد.

۴۸ ✖ گزینه ۲ در سایر گزینه‌ها می‌گوید «از ماست که بر ماست»، اما در این گزینه می‌گوید که من نیک خواه توام و تو بدخواه من

۴۹ ✖ گزینه ۱ در سایر گزینه‌ها ناپایداری و گذرا بودن عمر و دولت مطرح شده است و اغتنام فرصت اما مفهوم گزینه ۱: نتیجه ستمگری، نابودی ظالم است.

۵۰ ✖ گزینه ۱ گزینه ۱: با طنز می‌گوید که خدا را شکر که بدبخت‌تر از این نشدیم!

گزینه ۳: خدا یک زبان را از لال می‌گیرد اما به جایش به ده انگشتش این توانایی را می‌دهد که مانند آن یک زبان، برایش سخن بگویند و مقصودش را برسانند.

۵۱ ✖ گزینه ۲ در عبارت عربی صورت سؤال فاعلیت امور را خداوند می‌داند. بنده تلاش می‌کند اما خداوند قادر و تصمیم گیرنده است. ابیات مرتبط هم همین مفهوم را دارند، اما

بیت گزینه ۲، می‌گوید عده‌ای جد و جهد می‌کنند و عده‌ای دیگر همه نگاهشان به تقدیر است و از نظر مفهومی همانند عبارت ذکر شده نیست.

۵۲ ✖ گزینه ۲ مفهوم محوری تست: ناگزیری در روی آوردن به کار خطا و گناه

در بیت دوم نیز حافظ از نیایش رو به نیاز عاشقانه می‌آورد و می‌گوید که این را باید پذیرفت که عاشق چاره‌ای جز رو کردن به معشوق ندارد و این ناگزیر عشق است.

معنای بیت چهارم: ای محتسب (مأمور امر به معروف و نهی از منکر) به خدا من مست نیستم؛ بگذار به حال خودم باشم. من مست چشمان شرابی رنگی هستم که ناگاه مرا غافلگیر عشق کرده‌اند! (بیت از حزین لاهیجی بود!)

معنای بیت متن پرسش: اگر حریصانه و بدون رعایت حق دیگران شراب (آب سرد) را نوشیده‌ام، بر من خرده مگیرید. این کار زشت و ناپسند است اما نه برای کسی که دچار استسقا (تشنگی سیراب‌نشده) باشد، آن هم در میان بیابان در فصل تابستان و بعد ظرفی از آب سرد در برابرش ببیند! (حمله‌ور شدن به سوی آب و با حرص آن را نوشیدن برای او از سر ناگزیری است نه خطاکاری و بی‌اخلاقی)

۵۳ ✖ گزینه ۴ بیت دوم رباعی و بیت گزینه ۴ (۴) بر کوچک و حقیر بودن «مرگ»، نزد شهدا و جانبازان اشاره دارد.

۵۴ ✖ گزینه ۱ به سرانجام نشستن انتظار

مفهوم مشترک گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴»، انتظار بی‌سرانجام است.

۵۵ ✖ گزینه ۲ اگر دیگران درد عاشق را بدانند، او را نصیحت نمی‌کنند؛ اما در گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴»، اشاره به این شده که عاشق راز عشق را فاش نمی‌کند. زبان او از اظهار اسرار ناتوان است و رازداری می‌کند.

۵۶ ✖ گزینه ۴ مضمون مشترک دو بیت گزینه نخست: آمدن امام زمان با صبح و روشنی همراه است.

مضمون مشترک دو بیت گزینه دوم: آگاهی‌بخشی به مردم

مضمون مشترک دو بیت گزینه سوم: آمدن امام زمان مایه شادمانی و شادابی جهان و جهانیان است.

در بیت نخست گزینه چهارم، شاعر امام زمان را پرچمدار عشق و راهنمای عاشقان می‌داند اما در بیت دوم این گزینه، امام زمان بت‌شکن و تبردار و نابودگر کافران تصویر می‌شود.

۵۷ ✖ گزینه ۱ مفهوم محوری تست: چیرگی نابخردان.

اما در بیت اول، شاعر می‌گوید که من مورد خشم و اهانت مردم نادان واقع می‌شوم. زیرا مانند آنها نادان نیستم و این نشانه جنگ و دشمنی افراد نادان با افراد داناست؛ نه لزوماً چیرگی و تسلط نابخردان.

معنای بیت چهارم: انسان‌های پست و نالایق صدرنشین و صاحب‌قدر هستند و برای انسان‌های دانشمند و شایسته - به‌خاطر رسم و راهی غلط - امکان ورود به دایره قدرت وجود ندارد.

۵۸ ✖ گزینه ۲ چون مفهوم کلی بیت سوال این است که با وجود تهیدستی، مثل شاهان بخشنده می‌کرد، با گزینه دوم یکسان است عبارت «از دست خشک سبو آب می چکد»، یعنی با این که تهیدست است، بخشنده نیز هست.

۵۹ ✖ گزینه ۲ مفهوم بیت الف: اگر عارفی از مردم نانی می‌پذیرد، برای آن است که بتواند در سیر و سلوک عرفانی خود باقی بماند نه این که در گوشه‌ای بنشیند و عبادت کند با این هدف که نان مفت بخورد.

مفهوم بیت ب: علم و دانشی که به‌کار گرفته نشود، ارزشی ندارد.

معنای بیت ج: گفت (گفته، گفتار) دانایان را بشنو و از آن بهره بگیر، حتی اگر خودشان به گفته‌هایشان عمل نکنند (پس عالم بی عمل هم سودمند است!)

مفهوم بیت د: تقابل عقل و عشق

۶۰ ✖ گزینه ۲ مفهوم محوری تست: جنبه مادی وجود انسان مانع والایش روان و پرواز روح انسان نیست.

مفهوم بیت نخست: جنبه مادی وجود مانع می‌شود که چهره خدا را ببینم و به حقیقت هستی دست یابم.

مفهوم بیت سوم: بدون معشوق، من مرده متحرکم!

معنای بیت چهارم: جان پاکان و خوبان روزگار، در برابر جان او هیچ است. از جان انسان‌ها بگذر حتی کل آفرینش در برابر او هیچ است.



# پاسخنامه کلیدی

۱	۴	۱۳	۳	۲۵	۳	۳۷	۱	۴۹	۱
۲	۲	۱۴	۴	۲۶	۲	۳۸	۴	۵۰	۱
۳	۳	۱۵	۴	۲۷	۴	۳۹	۲	۵۱	۲
۴	۴	۱۶	۳	۲۸	۲	۴۰	۳	۵۲	۲
۵	۴	۱۷	۴	۲۹	۱	۴۱	۱	۵۳	۴
۶	۱	۱۸	۱	۳۰	۳	۴۲	۲	۵۴	۱
۷	۴	۱۹	۲	۳۱	۴	۴۳	۴	۵۵	۲
۸	۴	۲۰	۲	۳۲	۱	۴۴	۱	۵۶	۴
۹	۳	۲۱	۱	۳۳	۱	۴۵	۴	۵۷	۱
۱۰	۲	۲۲	۱	۳۴	۳	۴۶	۱	۵۸	۲
۱۱	۲	۲۳	۴	۳۵	۳	۴۷	۴	۵۹	۲
۱۲	۳	۲۴	۳	۳۶	۲	۴۸	۲	۶۰	۲